

تحلیل گفتمان برابری و اشتغال از منظر دولت یازدهم

سمیه عرب خراسانی*

چکیده

برابری، مفهومی چالشی در حوزه زنان و از تولیدات دوران مدرن است. وقوع مدرنیته، محور قرار گرفتن انسان و اهمیت یافتن آزادی و فردیت او، دستاویز زنان برای بهره بردن از ثمرات مدرنیته شده و جنبش احقاق حقوق زنان را ایجاد کرده است. از آنجا که شرایط نابرابر و محرومیت زنان از امکانات و فرصت‌ها مهم‌ترین دلیل فرودستی زنان قلمداد می‌شود، برابری تبدیل به اصلی‌ترین درخواست جنبش‌های زنان شد. راه یافتن این مفهوم در کشورهای غیرغربی بی‌توجه به مبانی زیربنایی این مفهوم و تعارض آن با فرهنگ و قومیت آنها، سبب ایجاد تعارضات و پیامدهای ناگواری در جریان خدمات‌رسانی به زنان شد. در جامعه ایرانی بیشترین میزان تأکید بر برابری در دولت اصلاحات و اکنون در زمان دولت اعتدال، در قالب اشتغال زنان است که نوعی بازگشت به عقب بدون توجه به پیامدهای حاصل از سیاست‌های دولت یازدهم را نشان می‌دهد. بررسی این روند از به شیوه تحلیل گفتمان تاریخی اجتماعی وداک، که شاخه‌ای از تحلیل گفتمان انتقادی است، انجام گرفته است. نتایج بیانگر آن است که اقدامات انجام شده در حوزه اشتغال زنان در دولت یازدهم، در راستای احیای مجدد مفهوم برابری به سبک و سیاقی است که در دولت اصلاحات ناتمام باقی ماند. به نظر می‌رسد اشتغال زنان بهترین و موجه‌ترین محمل جهت پیگیری مفهوم برابری در حوزه زنان و گام بعدی آن سهم‌خواهی در مناصب سیاسی است.

واژگان کلیدی: برابری، اشتغال، اصلاحات، دولت یازدهم، وداک.

بیان مسئله

خروج از قرون وسطی، ورود به دوران روشنگری و وقوع مدرنیته با تغییر چشم اندازها نسبت به انسان، اهداف و مقصد او همراه بود. از آن جمله می‌توان به شکست سلسله مراتب‌های تجویزی و تحقق آزادی و برابری میان انسان‌ها اشاره کرد. شعار برابری فارغ از جنسیت، قومیت و نژاد که ریشه در آموزه یکسانی ذات انسانی دارد، دستاویز جریان‌های فمینیستی و در مرکز توجه جریان‌ات بین‌المللی قرار گرفت.

ریشه چنین تغییرات پارادایمی و معرفتی در دوران روشنگری یافت می‌شود. از جمله مهم‌ترین این تغییرات محور قرار گرفتن انسان تحت عنوان اومانیزم است. اومانیزم به معنای انسان-محوری در هر امر و ارزشی است. مفهوم مکمل اومانیزم و دومین مؤلفه پارادایمی روشنگری سکولاریسم، به معنای جدایی دین از سپهر عمومی و محدود شدن آن در عرصه خصوصی و فردی است. سومین مؤلفه نسبی‌گرایی به معنای عدم وجود واقعیت مطلق و حقانیت افکار متفاوت است که به انسان اختیار اتخاذ تصمیمات مختلف را می‌دهد. فردگرایی و پی‌جویی آرزوهای شخصی و لذت‌های فردی مؤلفه چهارم است که عملیاتی کردن مفاهیم پیشین را در عرصه عمل فراهم می‌سازد. به این ترتیب انسان محور و هر آنچه در جهان موجود است در خدمت او و در راستای برآورد حداکثری خواست‌های او قرار گرفت (زیبایی نژاد و سبحانی، ۱۳۸۸، ص ۱۶-۳۴).

شعارهای فرهنگی مدرنیته در برابری افراد از هر جنس و نوع و بی‌توجه به نژاد، رنگ پوست و طبقه اجتماعی، ندای برابری در همه شئون زندگی را طنین انداخت. با فراگیر شدن این شعار گروهی از افراد در حاشیه، که خود را از این جرگه جدا می‌دیدند، اعتراض به روند موجود را آغاز کردند. از آن جمله می‌توان به زنان اشاره داشت که با وجود عضویت در جامعه مدرن از حقوق شهروندی محروم بودند. فعالان این حوزه با استفاده از آموزه‌های برابری، در اصول تعریف زنانگی و مردانگی تردید کردند. آنان سرچشمه تفاوت‌ها را از حوزه بیولوژی به حوزه فرهنگ و از مذهب به حوزه اجتماع و خوانش مذکر محور کشانده و با رد تعاریف مطلق از زنانگی و مردانگی، خواستار موقعیت برابر جنس زن با جنس مرد در برخورداری از مزایای عمومی شدند (مشیرزاده، ۱۳۸۲؛ رودگر، ۱۳۸۸).

فراهم شدن زمینه برابری، خواست زنان برای مشارکت و سهم‌داری در منابع محدود اجتماعی مانند قدرت، ثروت و منزلت را ایجاد کرد. فعالیتی که امکان دسترسی به این امکانات را برای زنان در حال حاضر و برای مردان در طی تاریخ فراهم کرده بود، اشتغال بود. اشتغال به معنای کار مزدی و نه صرف فعالیت اقتصادی در عرصه خصوصی (ابوت و والاس، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶)، افزون بر

راهیابی زنان به عرصه عمومی، آنان را برای فعالیت‌های جدی‌تر چون دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی مهمی چون تصدی‌گری موقعیت‌های تصمیم‌سازی در عرصه مدیریت و سیاست مصمم کرد. به این ترتیب است که در تمام نحله‌های فمینیستی که به‌عنوان هواداران برابری حقوق زنان مشهورند، تأکید و اصرار بر اشتغال دیده می‌شود (رودگر، ۱۳۸۸).

بدین صورت روشن می‌شود ریشه پیگیری اشتغال زنان به آموزه برابری ختم می‌شود. اشتغال در بستری که تعریف آن رفت معانی ضمنی دیگری نیز دارد. نخست آنکه مؤلفه‌های زیربنایی مفهوم برابری با آموزه‌های معرفتی در دین اسلام تعارض دارد. اومانیسیم و فردگرایی در ساختار معرفتی انسان‌شناسی دینی جای ندارد. جدا از آن برابری زن و مرد به مفهوم حذف هرگونه تفاوت جنسیتی نیز محل تردید است. به این ترتیب توصیه به اشتغالی که برآمده از چنین موضع و اصولی باشد، به تغییرات ساختاری کلان و پایدار، از برنامه‌ریزی توسعه کشور تا روابط خانوادگی و فردی، خواهد انجامید که می‌تواند سخت یا غیرقابل جبران باشد.

بررسی مسئله اشتغال در دولت یازدهم (دکتر حسن روحانی) با نگاهی به شعارهای تبلیغاتی رئیس دولت نهم و معاون او در مقام رئیس معاونت امور زنان و خانواده حاکی از شیوه و نگرش خاصی به مسئله زنان است. این نگرش که می‌توان آن را نوعی بازگشت به نگرش دولت اصلاحات و مرکز مشارکت زنان دانست، محل توجه و نیازمند مطالعه است. این بازگشت با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت اصلاحات و تمامی انتقاداتی که متوجه آن و پیامدهای تصمیمات آنهاست (خادمی، ۱۳۹۵)، موجد نگرانی‌هایی برای زنان و آینده جامعه است که لزوم این بررسی را ایجاب می‌کند. پژوهش حاضر در راستای اهمیت این مسئله در پی پاسخ به پرسش‌های ذیل است:

۱. آیا دولت اعتدال در حوزه زنان دارای عملکرد و اندیشه‌ای مستقل است یا می‌توان نشانه‌هایی دال بر ادامه سیاست دولت اصلاحات در آن یافت؟ در صورت پاسخ مثبت به پرسش نخست؛
۲. گفتمان‌های حاکم بر مسائل زنان در دولت اصلاحات^۱ و اعتدال چه شباهت‌هایی با یکدیگر دارند؟

این نوشتار جهت بررسی رابطه گفتمانی حاکم بر مسائل زنان در دولت یازدهم و ارتباط آن با دو مفهوم برابری (به معنای بین‌المللی آن) و بحث اشتغال که اقبال زیادی به آن وجود دارد، از چارچوب نظری تحلیل گفتمان و روش تحلیل تاریخی-اجتماعی روث وداک^۲ استفاده کرده است.

۱. در ادامه پژوهش به دال‌های گفتمانی دولت اصلاحات و شباهت آن اشاره می‌شود؛ اما جهت مطالعه تفصیلی و جامع در خصوص گفتمان دولت اصلاحات به نحو مستقیم و یا به واسطه بررسی برنامه چهارم توسعه به کرمی فهی (۱۳۹۰)، خادمی (۱۳۹۵) و زعفرانچی (۱۳۸۵) مراجعه شود.

2. Wodak, Ruth.

تحلیل گفتمان این دوره از تاریخ شروع به کار دولت در سال ۱۳۹۲ تا مهر ماه سال ۱۳۹۴ با استفاده از مصاحبه‌ها و بیانیه‌های رئیس دولت و معاون ایشان در امور زنان انجام گرفته است. این پژوهش با توجه به روش وداک در سه بخش بررسی رابطه برابری و اشتغال به‌عنوان کردار اجتماعی، تحلیل یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری انجام شده است.

چارچوب مفهومی

چنانچه پیش از این نیز اشاره شد شعارهای فرهنگی مدرنیته در خصوص برابری افراد از هر جنس و نوع ندای برابری در همه شئون زندگی را طنین انداخت. فعالان دفاع از حقوق زنان با استفاده از آموزه‌های برابری، در اصول تعریف زنانگی و مردانگی تردید کردند. آنان سرچشمه تفاوت‌ها را از حوزه بیولوژی به حوزه فرهنگ و از مذهب به حوزه اجتماع و خوانش مذکر محور کشانده و با رد تعاریف مطلق از زنانگی و مردانگی، خواستار موقعیت برابر جنس زن با جنس مرد در برخورداری از مزایای عموم شدند.

شکل‌گیری جریان فمینیستی ریشه در مبانی پیش‌گفته در دنیای مدرن دارد؛ اما برابری در این میان بیش از دیگر مفاهیم نمایان و در فحوای ادعاهای مدرنیته و نظام روشنگری به نحو مصرح و پنهان مورد اشاره است. این مفهوم در فرهنگ غرب در سه مقوله دسته‌بندی شده است. نخست برابری ظاهری^۱ است و بر این اصل دلالت دارد که دو فرد که دست‌کم در یک جنبه ظاهری و عادی موقعیت برابر دارند، باید در آن جنبه از برابری برخوردار باشند (Haslanger & Tuana, 2004).

صورت دیگری از برابری آن است که با هر فرد متناسب با استعدادها و وظایفش برخورد می‌شود و برابری تناسبی^۲ نام دارد. سومین نوع برابری، اخلاقی^۳ است. تا قرن هجدهم این عقیده مورد توافق بود که وجود انسان‌ها از ماهیت برابری برخوردار نیست. بدین‌سان، بحث «سلسله‌مراتب ذات انسانی» از مسلمات بسیار مهم به شمار می‌آمد؛ اما این عقیده با ظهور نظریه حقوق طبیعی و فرضیه برابری در نظام طبیعی در هم شکست. مطابق این نظریه همه افراد سزاوار مقام و احترام یکسان و مشابه هستند (Gosepath, 2001).

برابری مورد نظر فمینیست‌ها، برابری اخلاقی است. این نوع برابری در ضمن خود شکست هرگونه سلسله‌مراتب را به دنبال دارد. از منظر فمینیستی برخی حقوق براساس ذات مشترک انسان به او تعلق گرفته و سلب ناشدنی است. بر مبنای این تفکر، زن به‌عنوان موجودی انسانی، باید از همه

1. Formal Equality

2. Proportional Equality

3. Moral Equality

حقوق طبیعی برخوردار باشد و چون زن بودن به حقوق انسانی او ربطی ندارد و در قوای عقلی او نیز هیچ‌گونه نقصی وجود ندارد، زن حق دارد از حقوق کامل انسانی برخوردار باشد (ابوت و والاس، ۱۳۸۰، ص ۲۸۷).

قدرت یافتن جریان‌های دفاع از حقوق زنان با همراهی و حمایت نهادهای سیاسی و اقتصادی سرمایه‌داری موجب گسترش فضای احقاق حقوق آنان به نهادهای بین‌المللی شد. شکل‌گیری "کمیسیون مقام زن ملل متحد (۱۹۴۶)"^۱ وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد با هدف برابری جنسیتی و "نهاد زنان ملل متحد (۲۰۱۰)"^۲ به‌عنوان مهم‌ترین نهاد جهانی در زمینه حقوق بشر زنان در راستای کمک به از بین بردن تبعیض‌های جنسیتی اعمال شده بر زنان و دختران، کمک به افزایش قدرت زنان در جامعه، رسیدن به برابری زن و مرد به‌عنوان همکارانی برای توسعه جامعه، حقوق بشر، فعالیت‌های انسانی، صلح و امنیت از مهم‌ترین اهداف نهادهای بین‌المللی در حوزه زنان می‌باشند.

حاصل کار سازمان‌های بین‌المللی تصویب مهم‌ترین سند بین‌المللی دفاع از حقوق زنان با عنوان "کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)"^۳ با حمایت مجمع عمومی سازمان ملل است. این کنوانسیون مهم‌ترین معاهده ملل متحد در مورد تبعیض جنسیتی است و آن را چنین تعریف می‌کند: "قاتل شدن هرگونه تمایز، استثنا یا محدودیت براساس جنسیت ... بر پایه مساوات با مردان در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها" (بخش اول، ماده یک). دومین سند بین‌المللی "اعلامیه کنفرانس پکن (۱۹۹۲)" و "کار پایه عمل یا زمینه برای اقدام" است. این سند با تأکید بر اینکه حقوق زنان به‌عنوان حقوق بشر است، اصل برابری را تضمین‌کننده دسترسی زنان به اهداف سه‌گانه "تساوی، توسعه و صلح" (کنفرانس ناپروبی (۱۹۸۵)) دانستند.

آنچه بیش از همه جنبش زنان را مورد حمایت قرار داد تأثیر مؤلفه‌های مدرنیته در حوزه اقتصاد بود. مدرنیته با صنعتی شدن همراه بود که در آن نظام تولید خانگی و مشارکتی به تولید کارخانه‌ای و جدایی حوزه اشتغال از خانواده منجر شد (مشیرزاده، ۱۳۸۲، ص ۲۲-۲۷). در این نظام مردان به‌عنوان سرپرست خانواده و زنان مسئول خانه معرفی شدند. حوزه عمومی حوزه پاداش و پیشرفت اجتماعی بود در حالی که حوزه خصوصی با رونق یافتن وسائل کمکی صنعتی در خانواده، افزایش اوقات فراغت و تحقیر خانه‌داری و مادری، محیط کسل‌کننده‌ای بود که فعالیت‌های درون آن کم‌ارزش و بی‌پاداش بود.

1. Commission on the Status of Women

2. UN Women

3. Committee on the Elimination of Discrimination against Women

حضور در بازارهای کار در فاصله دو جنگ جهانی زنان را با مزایای حوزه عمومی آشنا کرد. اشتغال زنان افزون بر خود آنان، به تدریج توجه دولت‌های سرمایه‌داری را نیز به منافع آشکار و پنهان آن جلب کرد. به این ترتیب و در پی تلاش اولیه زنان برای مشارکت در حوزه عمومی در قالب اشتغال، دولت‌ها نیز به تدریج زمینه مساعدت حقوقی و مدنی را برای این مشارکت را فراهم کردند؛ به این ترتیب بود که شعار برابری زمینه مشارکت اقتصادی زنان را فراهم کرد.

خروج زنان از سپهر خصوصی به عرصه عمومی جریانی از تغییرات معنادار را در عرصه فرهنگی و اقتصادی مدرنیته به وجود آورد. این جریان در ابعاد وسیع و گسترده زندگی زنان را تحت تأثیر قرار داد. سیر تحول از سنت به توسعه‌یافتگی عامل بسیاری از تغییرات حوزه زنان و خانواده است. مشارکت اقتصادی در قالب اشتغال دسترسی زنان به منابع ارزشمند و محدود قدرت، ثروت، منزلت و اطلاعات را فراهم کرد. پس از آن بهبود در سطح زندگی، احیای حقوق آموزشی، مشارکت در تصمیم‌گیری و قدرتمند شدن آنان در عرصه فردی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اتفاق افتاد. تغییرات ساختاری در اجتماع، خانواده و تغییرات کمی و کیفی در نگرش‌ها و روش زندگی زنان از دیگر پیامدهای این حضور است (شیخی، ۱۳۷۸).

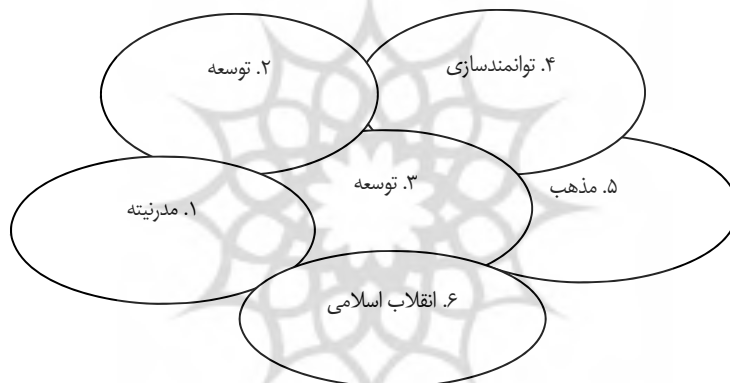
با مرکزیت یافتن برنامه‌های توسعه و خواهش مشارکت برابر زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، برنامه‌های مختلفی جهت فعال‌سازی آنان ارائه شد. این سیر از ایده "زن در توسعه"،^۱ "زن و توسعه"^۲ و در نهایت "جنسیت و توسعه"^۳ در حرکت بوده است. ایده جنسیت و توسعه با مضمون محوری برابری (Moser, et al, 1997) و بر پایه برنامه "توانمندسازی"^۴ زنان استوار است. در این برنامه جنسیت مؤلفه‌ای است منضم به تمام ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک جامعه و مانعی جدی در جهت مشارکت فعال زنان. توانمندسازی برنامه‌ای فمینیستی و حاصل تجربه زنان در کشورهای در حال توسعه جهت رفع این موانع است (جباری، ۱۳۸۴، ص ۲۶۴). توانمندسازی بر مشارکت فعال و خودخواسته زنان استوار است و حاوی سه مؤلفه است: نخست منابع شامل آموزش و اشتغال به‌عنوان عنصر تسریع‌کننده است؛ دوم عنصر عاملیت زنان به معنای بازیگران اصلی در فرایند تغییر به‌ویژه در انتخاب‌های مهم زندگی و نشانه تغییر گفتمان از پایین به بالا در نسبت به رویکرد از بالا به پایین است (Malhotra, et al, 2002, p.7)؛ عنصر سوم دستاورد و پیامدهای توانمندسازی است که از حوزه فردی چون خشنودی و عزت‌نفس

1. Women in Development
2. Women and Development
3. Gender and Development
4. Empowerment

تا حوزه اجتماعی چون مشارکت در عرصه اجتماعی و سیاسی را دربر می‌گیرد (سن، ۱۳۷۹، ص ۵۹). حضور فعال نهادهای غیردولتی جهت اعمال "فشار از پایین" بر دولت‌ها و تأکید نهادهای بین‌المللی بر اهمیت گزارش آنان از وضعیت داخلی زنان به‌عنوان منبعی برای استخراج مغایرت با گزارش‌های دولتی این نهادها را در موقعیت ویژه‌ای قرار می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۴).

در ایران اسناد کلان توسعه زمینه حضور و مشارکت اقتصادی زنان را فراهم کرد. در دهه پیش از انقلاب اسلامی، دیدگاه غالب در توسعه محدود به اقتصاد بود. در راستای نیل به این هدف زنان وارد چرخه بازار کار شدند (زعفرانچی، ۱۳۸۵، ص ۹۹) پس از انقلاب اسلامی و تدوین نخستین برنامه توسعه در سال (۱۳۶۸) مسئله "افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم و اعتدالی موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی جامعه و خانواده" مورد توجه قرار گرفت. با آغاز برنامه دهم توسعه (۱۳۷۴) و شروع فعالیت دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و سازمان‌های غیردولتی در ذیل "بند ۱۲-۲ و ۱۳-۲" به اوقات فراغت بانوان و مشارکت بیشتر آنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن اشاره شد (گزارش اجرای ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه، ۱۳۸۴، ص ۱۲ و ۱۳). برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹) با نگرش سیاست‌گذار مبتنی بر باور مشارکت بیشتر زنان در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی همراه بود. از نکات اساسی در برنامه سوم توسعه مقارن شدن آن با راه‌اندازی نهادی به‌عنوان «مرکز امور مشارکت زنان» بود. بند ب ماده ۱۵۸ از قانون برنامه سوم توسعه در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده ملزم به ارائه طرح‌های لازم برای "افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان" در چارچوب تمهیدات پیش‌بینی و طرح اصلاحات ضروری در امور اداری و حقوقی است. برنامه چهارم (۱۳۸۴) از نظر حجم و رویکرد متفاوت در خصوص مبحث جنسیت مورد توجه است. بند "الف و د ماده ۱۱۱" مهم‌ترین و مفصل‌ترین برنامه‌ها را با تمرکز بر دیدگاه جنسیتی و تکلیف آن بر دولت در حوزه زنان دربر دارد. این ماده بر تقویت نقش زنان در جامعه، توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور تأکید و "تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات، به‌ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان" را خواستار است. همچنین خواهان "حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی و تشکل‌های زنان" می‌باشد.

برنامه پنجم توسعه در چرخشی آشکار از برنامه سوم و چهارم توسعه ماده ۲۳۰ را در حوزه زنان ارائه داد. در این ماده خانواده و نقش محوری زن در آن مورد نظر است. تکالیف دولت در این ماده در راستای تحکیم خانواده است و چنانچه تمهیدی جهت تسهیل فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی آنان پیش‌بینی شده با در نظر داشتن مصالح خانواده است. تسهیلات اشتغال در این برنامه به زنان سرپرست خانوار و زنان نخبه محدود شده است. سال ۱۳۹۴ آخرین سال اجرای برنامه پنجم توسعه است و دولت یازدهم در حال نوشتار برنامه ششم توسعه می‌باشد. با توجه به رویکرد خاص این دولت در خصوص امر زنان و مسائل مربوط به آن می‌توان انتظار چرخشی دوباره به سمت برنامه‌های جنسیتی داشت. چنانچه این قرابت اثبات شود، که این مقاله در پی آن است، ریشه آن را می‌توان در کلیدواژه‌ها و برنامه‌های رئیس معاونت امور زنان و خانواده در مسائل زنان یافت که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.



دیاگرام روابط بیناگفتمانی در گفت‌وگوهای حاکم بر برابری در حوزه مسائل زنان با تأکید بر اشتغال

پیشینه پژوهش

در خصوص تحلیل گفت‌وگوهای حاکم بر دولت‌ها و یا برنامه‌های توسعه در حوزه زنان پژوهش‌های انجام شده اندک می‌باشند. از جمله نخستین پژوهش‌های انجام شده در این حوزه می‌توان به «تحلیل گفت‌وگوهای توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده» (۱۳۹۰) اشاره کرد. محمدتقی کرمی در این مقاله به بررسی برنامه توسعه سوم، چهارم و پنجم با محوریت مسائل زن و خانواده پرداخته است. در این پژوهش که به روش تلفیقی لاکلا و موفه و فرکلاف انجام شده است. بر نشانه‌های اصلاحات، توسعه سیاسی و جامعه مدنی در برنامه چهارم و قانون اساسی، توسعه اقتصادی، عدالت و ارزش‌های دینی و اخلاقی در برنامه پنجم تأکید شده است. تأکید برنامه چهارم بر توانمندسازی و جنسیت است در حالی که برنامه پنجم با نگاهی انتقادی به این مفاهیم تلاش دارد عناصر بومی و خانواده‌محور را اساس برنامه توسعه قرار دهد.

پژوهش دیگر در این زمینه پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان زن و خانواده در دولت سازندگی: براساس رویکرد تاریخی-گفتمانی وداک» (۱۳۹۳) است. زینب حامدیان اصفهانی پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه اصفهان را به بررسی رویکرد دولت سازندگی و مقطع زمانی پس از جنگ (۱۳۶۸-۱۳۷۶) به زنان و خانواده اختصاص داده است. در این پژوهش به بررسی گفتمان‌های حاکم بر رویکرد دولت سازندگی به زنان و خانواده در بستر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن پرداخته شده است. حامدیان در نهایت نتیجه می‌گیرد دولت سازندگی دولتی تجددگرا بوده و به دنبال تفسیرهای ملایم‌تری از اسلام است. این گفتمان تأکید فراوان بر اشتغال و فعالیت جدی اقتصادی و اجتماعی زنان داشته و آن را ارزشمند تلقی می‌کند و وظایف خانوادگی زن را یکی از مسئولیت‌های او و نه مهم‌ترین آن می‌داند.

از دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه می‌توان به «توسعه، برابری و جنسیت: جایگاه ایران در بین کشورهای جهان» (۱۳۸۳) سوسن باستانی، «پیامدهای معاهدات بین‌المللی در ایران» (۱۳۸۴) مینا احمدی، «زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه» (۱۳۸۵) لیلا زعفرانچی، «تحولات اخیر و آینده وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان» (۱۳۸۵) شهلا کاظمی‌پور اشاره داشت. اگرچه این مقالات به بررسی برنامه‌های توسعه و البته خانواده و اشتغال که موضوعات پژوهش‌های حاضر نیز می‌باشد، پرداخته‌اند؛ اما این کار با روش‌هایی غیر از تحلیل گفتمان انجام شده‌اند. پژوهش حاضر که با رویکرد وداک انجام شده است تلاش دارد مسئله زنان ایرانی در حوزه اشتغال و در مسیر برابری را در بستری تاریخی و با تأکید بر دولتی که دیدگاه نزدیکی نسبت به مسائل زنان دارند را بررسی کند. رویکرد وداک امکان پیگیری مسئله پژوهش را در بستر تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراهم می‌کند و این مزیتی است که این نوشتار تلاش دارد به واسطه آن به بررسی ارتباط برابری زنان با تأکید بر اشتغال بپردازد؛ امری که در موضوع پژوهش‌های پیشین نبوده است.

روش پژوهش

تحلیل گفتمان به‌عنوانی یکی از چند منظرگاه موجود به «برساخت‌گرایی اجتماعی»، رویکردی واحد نیست، بلکه مجموعه‌ای از رویکردهای میان‌رشته‌ای برای مطالعه و کندوکاو در قلمروهای گوناگون اجتماعی است. در تحلیل گفتمان، عوامل بیرون از متن مانند بافت موقعیتی،^۱ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و غیره نیز مورد توجه قرار می‌گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۸). به عبارتی در تحلیل گفتمان عناصر مجزا از طریق روابطشان با هم مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

1.Context of situation

تحلیل گفتمان انتقادی^۱ رویکردی نوین در حوزه تحلیل گفتمان است که به بررسی و کشف روابط قدرت پنهان و ایدئولوژی در پس متون می‌پردازد. در تحلیل گفتمان بافت موقعیتی شامل محیط بلا فصل، منظور گوینده، دانش پس‌زمینه مبنای تحلیل قرار می‌گیرد (Wodak, 2006). روث وداک به‌عنوان یکی از صاحب‌نظران تحلیل انتقادی گفتمان در رویکرد تاریخی-گفتمانی^۲ خود با تأکید بر ضرورت تئوریزه کردن، توصیف ساختارها و فرایندهای اجتماعی خالقین متن و سوزدهای اجتماعی-تاریخی، استدلال می‌کند همه اطلاعات پس‌زمینه‌ای (تاریخی) برای تحلیل و تفسیر لایه‌های گوناگون متن گفتاری یا نوشتاری می‌بایست به نحو نظام‌مند به هم گره زده شوند (Wodak & Meyer b, 2001, p67). به بیان دیگر، وداک، مفهوم قدرت، تاریخ و ایدئولوژی را به‌عنوان مفاهیم کلیدی در تحلیل انتقادی گفتمان معرفی می‌کند.

وی با در نظر گرفتن زبان به‌عنوان شکلی از کردار اجتماعی (Wodak & Meyer b, 2001, p65) وجود رابطه دیالکتیکی میان کردارهای گفتمانی-زبانی و حوزه‌های خاص عمل از (از جمله موقعیت، چارچوب‌های نهادی و ساختارهای اجتماعی) که کردارهای گفتمانی درون آنها جای دارند را مفروض می‌گیرد. به عبارت دیگر وداک گفتمان‌ها را هم به‌مثابه کردارهای اجتماعی-گفتمانی و غیر گفتمانی و به‌عنوان پی‌ساخت‌های آنها را در نظر می‌گیرد.

رویکرد تاریخی-اجتماعی وداک بین‌رشته‌ای، چند روشی، مسئله‌محور و معتقد به بینامتنیت^۳ و بیناگفتمانیت^۴ است. ارتباط گفتمان‌ها در رویکرد وداک به معنای سیالیت مفاهیم میان گفتمان‌های مختلف از جهتی و از جانب دیگر ارتباط معنایی مفاهیم در گفتمان‌های مختلف است. بیناگفتمانیت در سطحی فراتر به ارتباط، درهم‌آمیزی و تداخل گفتمان‌ها دلالت دارد که معنا یافتن گفتمان‌ها در ارتباط یا تقابل با یکدیگر را نتیجه می‌دهد.

مفهوم کلیدی دیگر در رویکرد وداک مفهوم میدان کنش^۵ و ژانر^۶ است. میدان کنش به‌عنوان بخش‌هایی از واقعیت اجتماعی ویژه است که به ساختن و شکل دادن چارچوب گفتمان کمک می‌کنند. یک گفتمان خاص می‌تواند از درون یک میدان کنش شروع شود و در درون میدان کنش دیگری پیش رود. گفتمان‌ها و موضوعات گفتمانی در میدان‌ها و ژانرهای مختلف، به‌عنوان نحو خاص استفاده از زبان برای رساندن منظور، جاری می‌شوند. آنها از بین میدان‌ها می‌گذرند، با

-
1. Critical Discourse Analyze
 2. Discourse Historical Approach
 3. Intertextuality
 4. Inter discousrcivity
 5. Field of action
 6. Genre

همدیگر هم‌پوشی دارند، به یکدیگر ارجاع می‌دهند و با شیوه‌های کارکردی-جامعه‌شناختی به یکدیگر مرتبط می‌شوند (Wodak, 2006, p.66-7).

عملیاتی کردن رویکرد تاریخی-گفتمانی در قالب پنج نوع استراتژی گفتمانی استراتژی‌های ارجاعی یا انتسابی،^۱ گزاره‌ای،^۲ استدلالی،^۳ منظرسازی^۴ و تشدید یا تخفیف^۵ انجام می‌شود که در هریک بازنمایی منفی "دیگری" و مثبت "خود" به کار گرفته می‌شود (Wodak & Meyer b, 2001, p73). در واقع استراتژی‌ها به طرح‌های عامدانه کردارهای گفتمانی اشاره دارد که با هدف سیاسی، اجتماعی، روان‌شناسی و زبان‌شناسی خاص اتخاذ می‌شوند و هریک در سطح متفاوت پیچیدگی و موقعیت زبان‌شناختی جای دارند.

روش نمونه‌گیری و انتخاب داده‌ها

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی و به شیوه تحلیل گفتمان انجام شده است. این روش غیرمداخله‌گرایانه است و از آنجا که اسناد مورد مطالعه و تحلیل، از پیش‌تر ثبت و ضبط می‌شوند، پژوهشگر در جهت‌دهی و نحوه تدوین آن دخالتی ندارد؛ از این رو متون مورد بررسی یا جامعه مورد مطالعه پژوهش شامل متن مصاحبه، گفتگو و یادداشت‌های منتشره در فضای مجازی می‌باشد.

نمونه مورد بررسی در این پژوهش اظهارات رئیس معاونت امور زنان و خانواده دولت اعتدال (یازدهم) است که مشاور رئیس‌جمهور در امور زنان نیز محسوب می‌شود. به دلیل این دو موقعیت سازمانی سخنان و اظهارنظرهای ایشان به‌عنوان سیاست دولت در مباحث زنان مطرح می‌شود. برای انتخاب نمونه مصاحبه‌های مورد بررسی به‌عنوان منبع تشریح نظرات، برنامه‌ها و سیاست‌ها، سایت خبری-تحلیلی مهرخانه (mehrkhane.com) به‌عنوان منبع انتخاب شد. در میان سایت‌های خبری-تحلیلی حوزه زنان، این سایت با چهار سال سابقه به‌عنوان یکی از سایت‌های معتبر و شناخته‌شده‌ای است که اختصاصاً به طرح و تحلیل مباحث زنان می‌پردازد. از آنجا که سایت‌های خبری تحلیلی عمومی کمتر به مباحث زنان با جزئیات پرداخته‌اند این سایت از این نظر دارای جایگاهی ویژه است. همچنین بازنشر خبرهای این خبرگزاری در سایت‌های معتبر نیز دلیل دیگر بر اعتبار انتخاب این سایت است. مصاحبه‌های شهین مولاردی به‌عنوان مشاور رئیس‌جمهور و رئیس معاونت امور زنان و خانواده به‌عنوان شخصی که موقعیت و امکان اطلاع‌رسانی در خصوص مسائل

1. Referential Strategies or Strategies of Nomination
2. Strategies of Prediction
3. Strategies of Argumentation
4. Strategies of Perspectivisation
5. Strategies of In Intensification and Mitigation

زنان و سیاست‌ها و راهبردهای دولت را داراست، مورد مطالعه قرار گرفت. همچنین گفته اشخاص مهم و نزدیک به ایشان مانند خانم زهرا شجاعی، رئیس مرکز مشارکت امور بانوان دولت اصلاحات و الهه کولایی و برخی از معاونان و مشاوران بانوان دستگاه‌ها (سهیلا جلودارزاده به‌عنوان مشاور امور بانوان وزارت کار) نیز به تناسب اهمیت موضوع مطرحه توسط آنان، مورد بررسی قرار گرفتند. در خصوص حجم نمونه شایان ذکر است از آنجا که هدف تحلیل گفتمان بیشتر اکتشاف و کمتر تعمیم است، در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است. در مجموع از ابتدای انتصاب خانم مولاوردی به سمت معاونت (۱۳۹۲) تا پایان مهرماه سال جاری (۱۳۹۴) بیش از سیصد مصاحبه، گفتگو و یادداشت از شخص ایشان و در حدود بیست مصاحبه و گفتگو از منتسبین جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گرفته است. در انتخاب مصاحبه‌ها و مطالب افزون بر نام اشخاص، از کلیدواژه‌های اشتغال، برابری، جنسیت، خودسرپرست، سرپرست خانوار و... استفاده شده است. از آنجا که گفتگو در خصوص اشتغال زنان در مناسبت‌های مختلف مورد بحث و اشاره قرار گرفته است، تنوع کلیدواژه‌ها و نام اشخاص امکان از دست دادن مصاحبه، گفته یا نوشته در خصوص اشتغال زنان را کاهش و دامنه جستجو را افزایش داد.^۱ نمونه‌ها با کلیدواژه نام ایشان انجام گرفت چراکه ایشان در مناسبت‌های مختلف مباحثی درباره اشتغال زنان داشته‌اند؛ اما در خصوص منتسبین به ایشان مصاحبه و گفتگوها با کلیدواژه اشتغال و برابری انجام شد.

یافته‌های پژوهش

رویکرد وداک در تحلیل داده‌ها به میداین عمل و ژانرها معتقد است. همان‌گونه که گفتمان‌ها در این رویکرد ارتباط چندگانه با یکدیگر دارند میداین عمل نیز چنین وضعیتی دارند. به این معنا که با وجود میداین عمل مشخص و ژانرهای متعلق به هر میدان عمل، ژانرها از یک میدان عمل آغاز می‌شود و در میداین مرتبط به نوبت نزدیکی و دوری، رفت و برگشت دارند. بدین‌گونه است که یک موضوع می‌تواند در میدان خاصی آغاز شود، در میدان کنش دیگری ادامه یابد و در میدان دیگر پایان یابد. میداین عمل و ژانرهای مورد استفاده/مکشف گفتمان برابری در اشتغال معاونت امور زنان دولت یازدهم به قرار ذیل است:

۱. به‌عنوان نمونه مطرح شدن بحث اشتغال زنان از جانب رئیس مرکز امور زنان و خانواده در جلسه بررسی منشور حقوق شهروندی که ارتباط مستقیمی با اشتغال ندارد.

میادین عمل و ژانرهای مورد استفاده / مکشوف گفتمان برابری در اشتغال معاونت امور زنان دولت یازدهم

میادین عمل (Fields of Action)					
فردی/روانی	دینی	فرهنگی	سیاسی/حقوقی	اقتصادی	اجتماعی
ژانر (Genre)					
حقوق فردی احیا جایگاه اجتماعی نشاط و کارایی و کارآمدی	یکسان بودن زن و مرد چندبعدی بودن انسان‌ها بهره بردن از موهب الهی نامناسب بودن وضعیت زنان در نظام اسلامی تجدید نظر در میانی استنباط احکام	تغییر باروها پرزنگ کردن قوانین نانوشته مسئولیت والدینی به جای مادری	دموکراسی و حقوق بشر حقوق شهروندی عدالت جنسیتی فرصت‌های مساوی قوانین حمایتی و اصلاحی حمایت سازمان‌های بین‌المللی حضور زنان در مجلس	اولویت حوزه اقتصاد اولویت حوزه اشتغال سند اشتغال پایدار شایسته‌سالاری مشارکت نگرش جنسیتی در برنامه‌های توسعه	عدالت اجتماعی تبادل و توازن جنسیتی حساس سازی جنسیتی توانمندسازی الگوی جدید در مشارکت خانواده سالم افزایش سرمایه اجتماعی تسهیلات اجتماعی آسیب‌شناسی آسیب‌های اجتماعی زنان سازمان‌های مردم‌نهاد

برابری-اشتغال و آثار فردی و روانی بر زنان

در گفتمان معاونت امور زنان و خانواده دولت اعتدال (که از این پس به اختصار معاونت خوانده می‌شود)، "فرد" زن جدا از خانواده و نقش‌های اجتماعی همسری و مادری دیده می‌شود. تمرکز بر شخص زن عکس‌العملی است به تأکید بر نقش‌های همسری و مادری و خانه‌داری که زنان را تنها در خانواده با معنا می‌کند. نگرانی از نادیده ماندن نقش‌های خانگی زنان همراه با تأکید بر احیاء، کسب و گسترش سرمایه اجتماعی مانند تحصیل و اشتغال، زنان را از دیده و شناخته شدن در صرف حیطه خانواده جدا کرده و به آنها شخصیتی مستقل به‌عنوان عضوی از جامعه می‌دهد. تأکید بر حضور اجتماعی و شرکت داشتن در جریان توسعه و پیشرفت جامعه افزون بر حس مشارکت در جامعه انسانی سبب احساس نشاط و کارایی خواهد بود. همچنین این حضور اجتماعی نتایجی در میان مدت نیز خواهد داشت که از آن جمله می‌توان به فعال کردن مردان در امور خانه و مسئولیت والدینی، وارد شدن زنان در حیطه اقتدار خانواده و ساختارشکنی از قوانینی چون قومیت و انحصار تکلیف نان‌آوری مرد در خانواده، فراهم شدن زمینه ارائه تسهیلات اجتماعی اشتغال برای زنان متأهل و مادران شاغل (مهدهای کودک، مرخصی پدران، ساعات اشتغال شناور، دورکاری و...) و در نهایت دیده شدن برای احقاق حقوق فردی به نحو اصلاح یا تدوین خواهد بود. بنابراین در گام

نخست با تأکید بر حق اشتغال زنان به عنوان فرد زن در بستر تغییرات میانه و کلان در بستر اجتماع پیش خواهد رفت (کد خیر: ۱۹۹۰۰، ۱۲۶۰۷، ۱۰۱۴۴، ۱۸۷۳۵، ۱۷۰۲۵).

برابری- اشتغال زنان و مسئله دین

مبنای بسیاری از تغییرات در گفتمان معاونت مدعای آموزه دینی برابری فرد انسانی فارغ از جنسیت در دین اسلام است. از نظر معاونت این آموزه در تعارض با وضعیت فعلی زنان در ایران و در جوامع اسلامی است. همکاری نکردن مردان در امور مربوط به خانه (بیش از ۱۵۰ ساعت کار زنان شاغل متأهل)، غیبت مردان از امور مربوط به فرزندان که سبب تحمیل بار مادری و پدری بر زنان است، محدودیت‌های شغلی به دلیل منع قانونی (مخالفت همسر یا تخالف با مصالح خانواده) و مسئله قوامیت و نان‌آوری مردان از جمله مشکلات اشتغال زنان است که نقش دین در آنها پررنگ دیده می‌شود. در حالی که در متون دینی برای هر یک از این موارد راهکار و توصیه‌های اخلاقی وجود دارد که به دلیل تأکید بر دسته‌ای خاص از روایات و اقوال علما از آنها غفلت شده است. بنابراین می‌توان با رجوع به اقوال کمتر شناخته شده و برجسته‌سازی توصیه به مردان برای مشارکت بیشتر در خانواده از مضامین دینی برای رفع مشکل زنان در امر همسری، مادری و خانه‌داری بهره برد. همچنین در خصوص موانعی مانند ریاست همسر و امکان منع او از اشتغال زن یا تصدی مناصبی چون قضاوت یا ریاست جمهوری می‌توان بر جستجو روایات کمتر شناخته شده، توجه به عنصر زمان و مکان، عصری سازی احکام و تحول و تجدیدنظر در مبانی استنباط احکام استناد کرد که در عین راه‌گشایی و حل مسائل زنان، چهره جدیدی جامعه اسلامی را نیز رقم زند.

از دیگر منابعی که برای توجیه اشتغال زنان (با هدف خاص معاونت) مورد استفاده قرار می‌گیرد استناد به اقوال امام خمینی علیه السلام، آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) به عنوان رهبر انقلاب و افراد مشهوری چون شهید مطهری می‌باشد از نظر معاونت امام خمینی علیه السلام و گفتمان انقلاب اسلامی راه سومی را در مسائل زنان ایجاد کرد که از جلوه‌های آن حضور زنان و مردان دوشادوش یکدیگر در جریان انقلاب است و منعی برای آنان نبوده است. همچنین انتصاب زنان در مقاماتی چون ریاست لشکر (خانم دباغ) و برخی مراجع قانونی (شورای نگهبان) از جانب رهبر فقید انقلاب نشانه اعتماد ایشان به زنان بوده است. از این منظر شرایط فعلی به نوعی انحراف از دیدگاه امام علیه السلام بوده و لازم است با باز فراخوانی آموزه‌های ایشان موقعیت زنان بازیافته شود (خانم جلودارزاده). همچنین استناد به اهمیت کار و اشتغال از نظر شهید مطهری و تأکید ایشان بر رابطه اشتغال با پرورش قوای درونی اشتغال زنان را امری مطلوب و لازم شمرده می‌شود (خانم شجاعی).

همین گونه است استفاده از اقوال رهبری برای توجیه اشتغال و درآمدزایی زنان در کنار خانواده که به اشتغال خانگی مشهور است و ارزش گذاری کار خانگی زنان (کد خبر: ۱۲۶۰۷، ۸۶۲۱، ۲۰۶۶۱، ۹۵۳۲، ۹۸۳۲، ۹۶۰۴، ۹۹۱۱).

برابری- اشتغال زنان و تغییرات فرهنگی

چنانچه جریان فعلی قادر شود حمایت مشروعیت بخش دین را در خصوص مسائل زنان به دست آورد، گام بعدی تغییرات فرهنگی خواهد بود. تغییر باورها و نگرش های افراد درباره زنان و مسائل آنان در پی حمایت های دینی با سهولت و سرعت بیشتری اتفاق خواهد افتاد. این تغییر در سه بعد اتفاق خواهد افتاد. بعد اول در پذیرش توانایی زنان و اعتماد به توانمندی، قابلیت و شایستگی آنان است که راه ورود آنان به عرصه اجتماعی است؛ مسئله دیگر زدودن باورهای منفی و نگاه نامناسب به مسئله اشتغال زنان و مقدمات آن است. در شرایط فعلی از نظر معاونت مسئله تحصیل و اشتغال زنان تهدیدی برای جامعه شده است به نحوی که زنان تحصیل کرده فرصت های شغلی مردان را از آنان می گیرند؛ سومین بعد مسئله حمایت و کمک مردان در امر خانه داری و فرزندداری است. اهمیت این مشارکت تا جایی است که برای اتفاق آن معاونت اقدام به تدوین و اجرایی کردن سند ملی تحکیم خانواده ذیل ماده ۲۳۰ برنامه پنجم توسعه اهتمام دارد. چنین روندی می تواند سقف های شیشه ای و کف های چسبنده ای را که مانع ارتقا زنان به مناصب و سمت های بالاتر است از بین برد. اتفاق این تغییرات به ترتیب از خانه به اجتماع و سطوح بالاتر، زنان را در جایگاهی برابر با مردان قرار می دهد که شایستگی حقیقی زنان است (کد خبر: ۱۸۳۶۷، ۱۷۵۲۰، ۱۹۳۵۶، ۲۰۸۹۸، ۲۰۲۹۷، ۲۰۱۹۱، ۸۶۲۱، ۹۵۶۲).

برابری- اشتغال زنان و تغییرات حقوقی / سیاسی

تغییر در حوزه باورها با حمایت های قانونی به مرحله اجرای عمومی می رسد و معاونت در این زمینه فعالیت شایانی داشته است. این فعالیت از گنجاندن قانونی تحت عنوان "اقدام ایجابی یا تبعیض مثبت به نفع زنان" برای افزایش حضور زنان در عرصه سیاست، هر ساله به میزان ۱۰ درصد، آغاز می شود. پشتوانه این امر را مولاووردی نامناسب بودن میزان حضور زنان در سمت های سیاسی، اقتصادی و مدیریتی (شاخص ۱۳۰) عنوان می کند که تذکر رئیس جمهور و درخواست نظارت معاونت را در پی داشته است. استناد به قانون اساسی و توجه به این نکته که در محتوای آن سخنی از تبعیض میان زنان و مردان وجود ندارد نیز لزوم برخورداری از این تبعیض تا زمان ایجاد شرایط

مطلوب را ایجاد می‌کند. نوشتار حقوق شهروندی و توجه به عدالت جنسیتی، توجه به حضور زنان در عرصه‌های عمومی و تغییر قوانین نانوشته در راستای این امر اتفاق افتاد. در منشور حقوق شهروندی زنان به‌عنوان شهروند مستقل و آزاد جامعه در نظر گرفته شده‌اند که شایسته استفاده از فرصت‌های برابر می‌باشند. اگرچه این منشور ضمانت اجرایی ندارد؛ اما محتوای آن آرمان‌هایی تصویر شده است که جهت حرکت جامعه را مشخص می‌کند. همچنین در راستای اهداف بین‌الملل و در حوزه فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال، خواستار ارائه گزارش دستیابی به شاخص‌های مقاله ۱۱۱ است که در آن بر برابری و حذف تبعیض براساس جنسیت تأکید شده است. در خصوص مباحث قانونی که مانع حضور زنان هستند و همچنین قوانین نانوشته خواهان برگزاری شورای پایش برابری‌های مندرج قانون اساسی، اصلاح قانون خدمات کشوری و رفع تبعیض‌های شغلی و یا ارائه جایگزین برای فرصت‌های شغلی منع شده می‌باشد (کد خبر: ۱۰۱۴۴، ۸۹۲۹، ۹۳۵۲، ۹۲۵۵، ۱۰۷۹۵، ۱۲۸۷۶، ۱۲۷۸۰).

برابری- اشتغال زنان و حوزه اقتصاد

این حوزه از مهم‌ترین میادین عمل و پس از میدان عمل اجتماعی، دارای بیشترین ژانر جهت بسترسازی یا توجیه اشتغال زنان است. در این بخش است که معاونت بیشترین حجم بیان و اقدام را دارد. تأکید بر اولویت مسائل اقتصادی و اشتغال در دولت یازدهم و به‌ویژه نیازهای معیشتی زنان از مقدمات این امر است. در ادامه معاونت به ایجاد سامانه پیامکی ۱۰۱ به دریافت مطالبات زنان اقدام کرده و اشتغال را اولین و آخرین اولویت زنان و دختران معرفی می‌کند. در گام بعدی مشابهت نیازهای زنان شهر و روستا در حوزه اقتصاد را مورد تأکید قرار داده و مسئله اول زنان کشور معرفی می‌کند. در این میان توجه به آسیب‌های اجتماعی زنان از گروه‌های مختلف و ربط آن با مسائل اقتصادی از دیگر مانورهای این حوزه است. ارائه آمار زنان سرپرست خانوار، دختران و زنان مجرد خودسرپرست و تأکید به افزایش روزافزون آنان، آمار زنان سالمند و بیکاری مفرط زنان تحصیل‌کرده دانشگاهی مسئله اشتغال زنان را تبدیل بحرانی کرد که عدم توجه به آن می‌تواند آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی عمیق و مخربی را به دنبال داشته باشد. توجه ویژه به حل مسائل اقتصادی زنان در قالب برجسته‌سازی مسائل زنان در برنامه ششم توسعه است. در این راستا معاونت تلاش دارد در راستای ایده "قرن بیست و یکم؛ قرن زنان" و "اهداف توسعه هزاره" زنان را به جایگاه مناسبشان نزدیک کند.

در راستای مدیریت این بحران معاونت اقدام به ارائه بسته اشتغال پایدار (معوق مانده از ماده

۱۱۱ برنامه چهارم توسعه)، کار شایسته، رشد فراگیر، ترویج کارآفرینی، زمینه‌سازی بازیابی نگرش جنسیتی در برنامه ششم توسعه، اصلاح بندهایی از ماده ۲۳۰ برنامه پنجم توسعه (که مانع از عدالت جنسیتی است)، برگزاری همایش‌های بین‌المللی با موضوع نقش زنان در توسعه، ایجاد حساسیت جنسیتی در تخصیص بودجه، حساس‌سازی مسئولان نسبت به نرخ مشارکت اقتصادی زنان، باز ترویج شعار شایسته‌سالاری و تأکید بر اقتصاد دانش‌بنیان غیرحساس به جنسیت، توانمندسازی و توان‌افزایی زنان جهت مشارکت در فرایند توسعه و پیشرفت، برنامه‌های کارآفرینی، برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌های کارآفرینی، ترویج اشتغال خانگی و ایجاد بازارچه‌های خوداشتغالی است (۱۱۶۴۸، ۸۶۲۱، ۱۱۵۰۵، ۱۶۸۸۳، ۱۲۶۰۷، ۱۵۱۷۸، ۲۰۰۴۰، ۹۸۷۳).

برابری و اشتغال زنان و حوزه اجتماعی

اشتغال در راستای برابری نیازمند عدالت اجتماعی است. مولارودی در بیانیه فیسبکی خود اعتدال و عقلانیت را دو روی دولت اعتدال دانسته و بیان می‌کند که عدالت اجتماعی و ارائه فرصت‌های مساوی به زنان و مردان یک جامعه در فرایند توسعه و پیشرفت عقلانیت یک جامعه را نشان می‌دهد. از نظر معاونت مسئله زنان مسئله جامعه است و چنانچه این مسائل حل شود بخش بزرگی از مسائل جامعه نیز حل می‌شود. اهمیت مسئله برابری در فرصت‌ها در دولت یازدهم از دغدغه‌های شخص رئیس‌جمهور نیز بوده و عدم وجود چنین فرصتی را از ناکامی‌های حکومت اسلامی می‌شمارد. وعده برابری فرصت‌های میان زنان و مردان از جانب ایشان در شعارهای انتخاباتی و پس از آن در مناسباتی چون همایش "زنان؛ نقش‌آفرینان اقتصاد و فرهنگ" عهد دولت یازدهم با زنان در برقراری برابری را یادآوری می‌کنند.

در این روند توانمندسازی زنان کلیدواژه اصلی است که در راستای حساس‌سازی جنسیتی، ایجاد حق انتخاب برای زنان و برقراری تعادل و توازن جنسیتی میان فعالیت‌های اجتماعی و نقش‌های خانگی اتفاق می‌افتد. حساس کردن مسئولان و مردم به مسائل زنان افزون بر جلب توجه، تأیید و حمایت آنان را فرایند توانمندسازی و توان‌افزایی به همراه دارد. در این بخش نیز به آسیب‌های اجتماعی زنان پرداخته می‌شود و ربط آن با مسائل اقتصادی پررنگ می‌شود. ایجاد الگوی جدید از خانواده با عنوان طراحی پروژه "خانواده سالم" با استفاده از تجربیات کشورهای جهان در ارائه الگوی موفق آشتی میان زن، اشتغال و خانواده، تغییر در الگوی مشارکتی و تغییر موازنه قدرت در خانواده، بازتعریف نقش‌های جنسیتی، تأکید بر سیالیت آنها و توجه خاص بر فعال‌سازی مجدد سازمان‌های مردم‌نهاد با عنوان جدید "نهادهای مدنی" همگی در راستای توانمندسازی زنان اقتصادی است.

اهمیت فعالیت اقتصادی زنان برای معاونت تا آنجا پیش می‌رود که در اجرایی کردن مصوبه افزایش مرخصی زایمان از شش به نه ماه مقاومت کرده و مخالفت خود را با این مصوبه اعلام می‌کند. از نظر معاونت این میزان مرخصی سبب کاهش تمایل کارفرما به جذب نیروی زن و دور ماندن زنان به مدت طولانی از فعالیت اجتماعی است. به طور کلی پیشنهاد معاونت آن است که به جای ارائه مرخصی‌های زایمان و موارد مربوط به آن چون مرخصی شیردهی تسهیلات اجتماعی به زنان شاغل ارائه شود. از آن جمله به احیا مهدهای کودک سازمانی اشاره دارد که افزون بر کاهش میزان مرخصی زایمان به کاهش یا حذف ساعات شیردهی نیز می‌انجامد. وی همچنین مصوبه دورکاری را نیز به علت دور ماندن زنان از فضای عمومی مردود و به جای آن ساعات کاری شناور را پیشنهاد می‌کند (کد خبر: ۹۲۲۶، ۱۰۷۹۵، ۱۰۷۹۴، ۹۸۰۰، ۲۰۹۱۷، ۹۳۷۹، ۱۹۴۵۴، ۹۳۶۹، ۲۰۶۸۴).

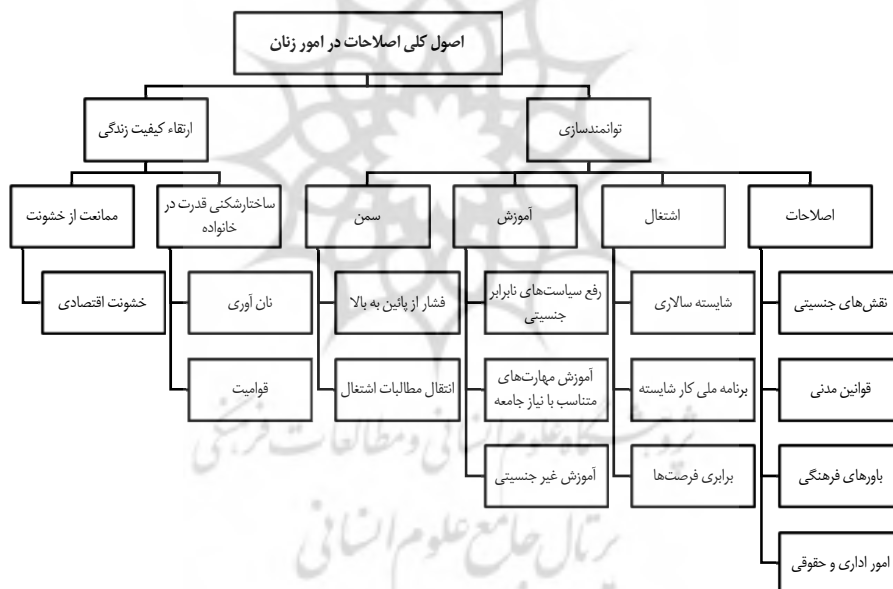
نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف بررسی نگرش و عملکرد دولت یازدهم در خصوص زنان و خانواده به نحو مستقل یا به پیروی از دولت اصلاحات صورت گرفت. پرسش دوم این مطالعه، در صورت مثبت بودن دنباله‌روی از سیاست و اندیشه دولت اصلاحات، استخراج نشانه‌های این دنباله‌روی است؟ از آنجا که سیاست دولت اصلاحات در خصوص زنان و خانواده موجب مسائل جدی در حوزه زنان و خانواده بوده و با ادبیات اسلامی و فرهنگ حاکم بر جامعه زاویه داشته است، چنانچه همراهی سیاست‌های این دولت استخراج شود، لازم است در این خصوص اقداماتی صورت گیرد. جهت بررسی این موضوع روش تحلیل گفتمان و داک به جهت تأکید بر زمینه‌های تاریخی-اجتماعی مؤثر و مولد کنش‌های اجتماعی-سیاسی استفاده شد. در نتایج حاصل از مطالعه متن مصاحبه‌ها و سخنان رئیس معاونت امور زنان و خانواده دولت یازدهم با استفاده از این روش تحلیلی، بیانگر غلبه گفتمان برابری در قالب زمینه‌سازی اندیشه‌ای و عملی اشتغال زنان است. بررسی تاریخچه کوتاه‌مدت فعالیت ساختارهای دولتی خاص زنان پس از انقلاب اسلامی حاکی از وجود چنین خط‌مشی و نگرشی در فاصله سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴ در زمان دولت اصلاحات و فعالیت مرکز امور مشارکت زنان نیز هست.

کلیدواژه برابری در گفتمان معاونت دولت یازدهم اشاره به فراهم شدن فرصت‌های برابر شغلی است که در دولت اصلاحات نیز تکرار شده است. تعمق بیشتر بر این نکته نشان می‌دهد که اشتغال و مقدمات آن چون آموزش، اصلاحات قانونی، مدنی و فرهنگی وسیله‌ای برای رسیدن به برابری است. وعده‌های رئیس دولت اعتدال و معاون ایشان در راستای برقراری این اصل تا جایی

است که وضعیت فعلی زنان را حالت بحرانی و نامناسب نظام ایرانی-اسلامی تصویر می‌کنند. بررسی اتفاق همنوایی و همگرایی میان این دو شیوه تفکر و این امر که این رخداد تا چه میزان آگاهانه و سنجیده باشد و یا از باب اتفاق، جای بحث و تأملی باقی نمی‌گذارد، چراکه علاوه بر یافتن کلیدواژه‌های گفتمان برابری به یادگار مانده از دولت اصلاحات، در گفتمان معاونت امور زنان و خانواده دولت یازدهم، برخی افراد مرتبط با حوزه زنان و خانواده دولت اصلاحات (در نسبت‌های دور و نزدیک) نیز از این ادبیات استفاده می‌کنند. معاونت امور زنان و خانواده خود در دولت اصلاحات به‌عنوان معاون امور بین‌الملل صاحب سمت بوده و با ادبیات آن فضا در حوزه زنان، که بر برابری جنسیتی استوار است، آشنایی دارد.

گفتمان برابری در دولت اصلاحات متأثر از آموزه برابری دو محور کلی و شش زیر محور است که به‌قرار ذیل شکل گرفته است:



نمودار دال‌های مرکزی و فرعی گفتمان اصلاحات (برگرفته از کرمی ۱۳۹۰ و سلطانی ۱۳۸۷)

ردیابی کلیدواژه‌های این گفتمان کار دشواری نبوده و در بخش یافته‌ها به تفصیل مورد بحث قرار گرفت. قرابت فکری و خط‌مشی سیاسی این دو دولت به یکدیگر نیز دور از ذهن نبوده و در گفتارهای آشکار و غیر آشکار به ارتباط و نزدیکی دو دولت اشاره شده است.

برابری برخاسته از فرهنگ اسلامی-ایرانی نیست، بلکه مفهومی مدرن با پیش فرض‌های خاص است. از آن جمله می‌توان به حذف هرگونه تفاوت جنسیتی میان زن و مرد اشاره داشت که پیامد آن یکی دانستن زن و مرد و تبدیل آن به یک جنس است. برابری در ابتدا مفهومی کور جنس و در راستای تربیت یک زن-مرد بوده است؛ اما پس از جرح و تعدیل‌های فراوان به برابری در فرصت‌ها انجامید. از آنجاکه زنان و مردان در ذات انسانی مشترک هستند شایسته برابری در دیگر موقعیت‌های زندگی می‌باشند. ایده اصلی برابری بر آن است که زنان به جهت نابرابری و تبعیض است که در وضعیت فروتر قرار دارند و چنانچه از امکانات و فرصت‌های برابر برخوردار باشند این شرایط پایان می‌پذیرد. لازمه برابری تصویر زنان در موقعیت تاریک، و آن‌چنان ستمی است که امکان هرگونه تفکر، خلاقیت و فعالیت جز در موارد تجویزی فرهنگ مردسالار وجود ندارد.

برابری اصل اساسی کنوانسیون منع تبعیض است که مسئولان وقت دولت اصلاحات تلاش فراوانی برای الحاق ایران به آن انجام دادند. از نظر مسئولان و مرکز مشارکت زنان برنامه عمل پکن را که براساس برابری و در سطح بین‌الملل تصویب شده بود، به‌عنوان کارپایه اصلی برنامه‌ریزی حوزه زنان قرار دادند. نمود بارز آن برنامه چهارم توسعه است که با رویکرد حساس به جنسیت و در راستای برابری تدوین و در این دولت به تصویب رسید. برابری اصل اساسی مفروض این برنامه است که در راستای تحقق آن آموزش و اشتغال مورد توجه ویژه قرار گرفت. جهت رفع موانع موجود و احتمالی به تغییرات حقوقی در حوزه اجتماع و خانواده صورت گرفت و مهم‌تر آنکه این اقدامات در سطح مجموعه قوه مجریه انجام شد. این اتفاق تا پایان دولت اصلاحات ادامه یافت؛ اما با روی کار آمدن دولت نهم و محوریت یافتن خانواده و تغییر عنوان "مرکز مشارکت امور زنان" به "مرکز امور زنان و خانواده" مسیر دیگری طی یافت.

با توجه به آنچه گفته آمد می‌توان دولت یازدهم را ادامه‌دهنده اقدامات ناتمام دولت اصلاحات و مرکز امور مشارکت زنان در خصوص مسائل مربوط به زنان و خانواده دانست. در این راستا یک‌بار دیگر فرد زن، استقلال، آزادی و برابری زنان و مردان مطرح نظر قرار گرفته است. دولت یازدهم ادعان دارد در حالی سکان‌دار مسائل زنان است که وضعیت آنان در موقعیت شبه‌بحران قرار دارد و بیشترین مشکل آنان بیکاری زنان تحصیل‌کرده، افزایش زنان سرپرست خانوار (بدون توجه به تغییر الگوی آن از بیوگی به سمت طلاق)، افزایش سن ازدواج و تعداد دختران مجرد قطعی و خلاصه کلام در "زنانه شدن پدیده فقر" است؛ اما آنچه از مطالعه تصمیم دولت وقت برای حل مشکل زنان برمی‌آید، استفاده از این شرایط برای اثبات این امر است که این شرایط معلول مستقیم نابرابری میان زنان و مردان است و چنانچه زنان به امکانات مساوی دست یابند مسائل آنان حل می‌شود. استفاده از شعار

"مسئله زنان مسئله جامعه است" که به نوعی تکرار شعار فمینیستی رادیکال "شخصی سیاسی است"، بیانگر آن است که حل مسئله زنان نیازمند دگرگونی‌های ساختاری و البته در جهت خواست ویژه این دولت، یعنی برابری است. تکرار کلیدواژه برابری و تأکید آن بر استقلال اقتصادی و اشتغال مقدمه هدف دیگری نیز می‌باشد و آن دسترسی به مناصب سیاسی و سهم‌خواهی از آن است. اشتغال زنان و موفقیت در آن حتی اگر به قیمت افزایش میزان جدایی، سن ازدواج یا بحران جمعیت باشد، به نمایش قدرت و توانایی زنان انجامیده و جامعه دیگر نمی‌تواند به بهانه بی‌تجربگی یا کم‌توانی زنان را از این عرصه بیرون نگاه دارد. شاهدی بر این مدعا آنکه چگونه است که در میان تمام مصاحبه‌های بررسی شده در این دو سال، کمتر حرفی از ازدواج، تسهیل، تشویق و تحکیم خانواده به گزارش اشاره شود؟ چنانچه صحبتی نیز از خانواده انجام شده است در قالب "پروژه خانواده سالم" است که هدف آن استفاده از تجربه کشورهای موفق در همکاری‌های خانوادگی با زنان شاغل است و نه الگوی بومی برای کاهش و ترمیم آسیب‌های خانواده.

اگرچه نمی‌توان عملکرد هیچ‌یک از دولت‌ها پس از انقلاب اسلامی را در حوزه زنان مقبول توصیف کرد؛ اما پیروی از الگوی عمل دولتی که بیشترین تعارض را با آموزه‌های فرهنگی و دینی جامعه ایرانی را داشته و مولد آسیب‌های فراوانی در حوزه زنان و خانواده بوده است، عملی قابل تأمل و نیازمند توضیح است. این امر با وجود ترویج گفتمان عدالت اجتماعی از جانب معاونت امور زنان و خانواده و ظرفیت‌های اجتماعی و دینی آن، زمینه‌ساز ایجاد شبهه در خصوص اراده برابری از عدالت اجتماعی است که نیازمند بررسی مجدد و با دقت به‌عنوان پیشنهاد پژوهشی آتی مستخرج از نتایج این نوشتار است.

منابع

۱. منابع اینترنتی

1. <http://mehrkhane.com/fa/news/19900>--- <http://mehrkhane.com/fa/news/12607>---
--<http://mehrkhane.com/fa/news/10144>---
<http://mehrkhane.com/fa/news/18735>---<http://mehrkhane.com/fa/news/17025>
2. <http://mehrkhane.com/fa/news/12607>--- <http://mehrkhane.com/fa/news/8621>--
-<http://mehrkhane.com/fa/news/20661>---<http://mehrkhane.com/fa/news/9532>---
<http://mehrkhane.com/fa/news/9873>--- <http://mehrkhane.com/fa/news/9604>---
<http://mehrkhane.com/fa/news/9911>
3. <http://mehrkhane.com/fa/news/18367>--- <http://mehrkhane.com/fa/news/17520>--
-<http://mehrkhane.com/fa/news/19356>--- <http://mehrkhane.com/fa/news/20898>--
--<http://mehrkhane.com/fa/news/20297>---
<http://mehrkhane.com/fa/news/20191>--- <http://mehrkhane.com/fa/news/8621>---
<http://mehrkhane.com/fa/news/9562>
4. <http://mehrkhane.com/fa/news/10144>--- <http://mehrkhane.com/fa/news/8929>---
<http://mehrkhane.com/fa/news/9352>--- <http://mehrkhane.com/fa/news/9255>---
<http://mehrkhane.com/fa/news/10795>--- <http://mehrkhane.com/fa/news/12876>--
-<http://mehrkhane.com/fa/news/12780>
5. <http://mehrkhane.com/fa/news/11648>--- <http://mehrkhane.com/fa/news/8621>---
<http://mehrkhane.com/fa/news/11505>--- <http://mehrkhane.com/fa/news/16883>--
- <http://mehrkhane.com/fa/news/12607>

۲. منابع پایانی

۱. ابوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
۲. احمدی، مینا (۱۳۸۴)، «پیامدهای معاهدات بین‌المللی در ایران»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۲۸.
۳. باستانی، سوسن (۱۳۸۳)، «توسعه، برابری و جنسیت: جایگاه ایران در بین کشورهای جهان»، مطالعات زنان، شماره ۴.
۴. جباری، حبیب (۱۳۸۴)، «رویکردهای اجتماع‌مدار در برنامه‌های کاهش فقر»، رفاه اجتماعی، شماره ۱۸.

۵. حامدیان، زینب (۱۳۹۳)، تحلیل گفتمان زن و خانواده در دولت سازندگی: بر اساس رویکرد تاریخی - گفتمانی واک، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۶. خادمی، عاطفه (۱۳۹۵)، «تحلیل گفتمان های تحول در وضعیت اجتماعی زنان در سه دهه اخیر با تأکید بر نهادهای سیاست گذار در ایران»، رساله دکتری، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۷. رودگر، نرجس (۱۳۸۸)، فمینیسم (تاریخچه، نظریات، گرایش ها و نقد)، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زن و خانواده، چاپ اول.
۸. زیبایی نژاد، محمدرضا و محمدتقی سبحانی (۱۳۸۸)، درآمدی بر شخصیت زن در اسلام، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات زن.
۹. زعفرانچی، لیلا (۱۳۸۵)، «زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه»، کتاب زنان، سال ۹، شماره ۳۳.
۱۰. سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۷)، قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)، تهران: نشر نی.
۱۱. سن، آمارتیا (۱۳۷۹)، آزادی و برابری، ترجمه حسن فشارکی، تهران: نشر شیرازه.
۱۲. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۵)، «تحولات اخیر و آینده وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان»، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، شماره ۱.
۱۴. کرمی قهی، محمدتقی (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمان حاکم بر برنامه های توسعه با رویکردی بر مسائل زنان و خانواده»، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۳.
۱۵. گزارش اجرای ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه ۱۳۷۹-۱۳۸۳، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.
۱۶. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۲)، از جنش تا نظریه اجتماعی، تهران: شیرازه.
۱۷. نقش زنان در توسعه (۱۳۷۲)، دفتر امور مشارکت زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد، تهران: روشنگران.
18. Haslanger, Sany & Tuana, Nancy. *Topics in Feminism*, 2004 [on - line] Avialable: [http:// Plato. Stanford. edu/ entries/ equality](http://Plato.Stanford.edu/entries/equality).
19. Gosepath, Stephan. *Equality*. 2001 [on - line] Avialable: [http:// www. Plato. Stanford. ed/entriesl equality](http://www.Plato.Stanford.ed/entriesl equality).
20. Mahatra, s.R. Schuler and C. Boender (2002), "Measuring Women Empowerment as a variable in International Development."

<http://siteresources.worldbank.org/INTGENDER/Resources/MalhotraSchulerBoender.pdf>

21. Wodak, Ruth. Meyer, Michel (2001), “*Method of Critical Discourse Analysis*”, Sage Publication, London.
22. Wodak, Ruth. Rudolf de Cillia. Martin Reisigl and Karin Liebhart (1999-2009), “*The Discursive Construction of National Identity (a, b)*”, Edinburg University, London.
23. Wodak, Ruth (2006). “*Mediation between Discourse and Society: Assessing Cognitive Approaches in CDA*”, Discourse and Society. Vol. 8. No. 1. pp. 179-190

